

## توسعه پایدار بر محور عدالت

سعید فراهانی فرد\*

### چکیده

پیامدهای منفی صنعتی شدن و توسعه یافتگی که نتیجه تبلیغ و ترویج مصرف‌گرایی و تکاثرطلبی در دامان نظریه‌های سکولار بوده است، استمرار رشد و توسعه را به خطر انداخته و بخش‌های قابل توجهی از مردم را از آثار مثبت آن یعنی رفاه و برخورداری از مواهب الهی محروم کرده است.

در این مقاله با تبیین عدالت به معنای گسترده آن ادعا شده که خلقت جهان براساس عدالت بوده و روابط عناصر سه‌گانه انسان، طبیعت و جامعه انسانی با خداوند و با یکدیگر بر محور عدالت ترسیم شده است و انسان‌های تربیت یافته در دامان مکتب اسلام نیز با توجه به این روابط به‌خوبی می‌توانند توسعه و رفاه موردنظر خداوند متعال را استمرار بخشند.

مقاله در بخش دیگر، ضمن برشمردن سازوکارهای ضمانت اجرای عدالت در استفاده از منابع خدادادی، ادعا می‌کند که در نظام اسلامی، دولتی مقتدر که منابع طبیعی در مالکیت یا تحت سرپرستی او است و با در اختیار داشتن اهرم‌های قانونی از جانب شرع برای کنترل و نظارت بر چگونگی بهره‌برداری از این منابع، به‌خوبی می‌تواند توسعه پایدار بر محور عدالت را تحقق بخشد.

**واژگان کلیدی:** توسعه پایدار، عدالت تکوینی، عدالت تشریحی، منابع طبیعی، منابع

زیست محیطی، ثبات، انعطاف‌پذیری.

\* عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی.

قدمت رشد و توسعه به اندازه دانش اقتصاد است. اقتصاددانان بزرگ کلاسیک در سده‌های هجدهم و نوزدهم، همه اقتصاددانان توسعه بوده‌اند و در چگونگی پیشرفت ملت‌ها سخن گفته‌اند. پیشرفت و رفاه مادی انسان‌ها و ملت‌ها به گونه‌ای سنتی در پژوهش‌های اقتصادی جای داشته، و از زمینه‌های مهم مطالعات اقتصاددانان متقدم به‌شمار رفته است. ریکاردو، مالتوس، استوارت میل و کارل مارکس همگی تا اندازه‌ای با نتایج و پیشرفت اقتصادی سروکار داشته‌اند؛ با وجود این، توسعه به معنای کوشش آگاهانه، نهادی و برنامه‌ریزی شده از اوایل قرن بیستم، ابتدا در کشورهای دارای برنامه‌ریزی متمرکز و به‌دنبال آن و پس از پایان جنگ جهانی دوم مورد توجه اغلب کشورهای آسیایی، آفریقایی و امریکای لاتین قرار گرفت.

قابل توجه است که تا اوایل دهه ۱۹۷۰، توسعه معادل با رشد فیزیکی و به معنای انباشت سرمایه مطرح بود و در کشورهای اروپایی به‌طور عمده به مفهوم بهره‌برداری از منابع طبیعی کشورهای مستعمره و گشودن بازارها برای منافع آن کشورها بود.

از اوایل دهه ۱۹۷۰، در رویکردهای علمی به توسعه، تجدیدنظر اساسی پدید آمد و توسعه اقتصادی، فراگردی در نظر گرفته شد که تغییرات در عوامل غیرکمی مانند نهادها، سازمان‌ها و فرهنگ را هم در برمی‌گیرد. بهبود آموزش و بهداشت، و توجه به سرمایه انسانی کنار سرمایه فیزیکی حاصل این تحولات بود.

به‌رغم این‌که از ابتدای طرح توسعه به معنای عام آن، منابع طبیعی نقش اساسی در شکل‌گیری آن داشت، تا دهه‌های اخیر از توجه جدی به آن غفلت شده بود. رشد فزاینده اقتصادی که ارمغان پیشرفت فن‌آوری بود، پیامدهایی در عرصه محیط زیست و منابع طبیعی داشت که به تدریج باعث نگرانی اقتصاددانان و دانشمندان اکولوژی به‌طور خاص و بیشتر ارباب معرفت به‌طور عام شد. از بین رفتن گونه‌های حیاتی و حیوانی و ایجاد اختلال در چرخه زیست‌محیطی، آلودگی هوا و گرم‌شدن زمین در اثر آسیب لایه ازن، از بین رفتن منابع پایان‌پذیر و در معرض خطر قرار گرفتن منابع تجدیدپذیر، بخشی از نگرانی به‌وجود آمده بود. این نگرانی از این جهت بود که اولاً رشدی که با چنین سرعتی جهت‌گیری شده است، پایدار نمی‌تواند باشد ضمن این‌که چنین رشدی نمی‌تواند هدف رفاه و آسایشی را

که برای رسیدن به آن طراحی شده بود، فراهم کند. از طرف دیگر، افزایش شکاف طبقاتی به‌رغم پیشرفت‌هایی جدی که در عرصه اقتصاد به‌وجود آمده بود نیز نگرانی عدالت‌دوستان را برانگیخته بود. شکاف طبقاتی در سه محور پدید آمده است: ۱. بین طبقات گوناگون کشور؛ ۲. بین کشورهای گوناگون نسل؛ ۳. بین نسل‌های گوناگون.

بی‌عدالتی موجود پیامد این حقیقت بود که اقتصاددانان، در بررسی مسأله اقتصادی توجهی به مسأله عدالت به‌طور کلی و عدالت بین نسلی به‌صورت خاص نداشتند و برای آنان فقط رسیدن به رشد مهم بود که آن را با شاخص‌هایی به‌طور کامل فیزیکی از جمله تولید ناخالص ملی یا درآمد سرانه می‌سنجیدند بدون توجه به این‌که توزیع این تولید یا درآمد بین طبقات یا دهک‌های گوناگون درآمدی چگونه بوده است. این گفته لوئیس (۱۹۵۵) که «ابتدا باید اشاره کرد که مسأله ما رشد است نه توزیع» تأکید بر این ادعا است (زاکس، ۱۳۷۷: ص ۲۲).

این نگرانی‌ها باعث شد توسعه پایدار به‌صورت یکی دیگر از ابعاد قابل توجه در روند تحولات توسعه مورد توجه قرار گیرد. در این مرحله، ضمن تأکید بر اصل کارایی به‌صورت اصل تحقق توسعه، در جهت پایداری آن بر دو نکته اساسی توجه شده است.

نخستین نکته مورد توجه در ادعای طرفداران توسعه پایدار، احترام به محیط زیست در جایگاه جزء جدانشدنی از توسعه اقتصادی است. برخورداری عموم مردم از مواهب و منافع توسعه و توجه به منافع نسل‌های آینده به‌ویژه در بهره‌برداری از منابع طبیعی دومین نکته قابل توجه در بحث توسعه پایدار است.

دو ویژگی عدالت و محیط زیست، به‌صورت قابل توجهی با یک‌دیگر ارتباط یافته‌اند. توراس و بویس (۱۹۹۸) نشان داده‌اند که در سطح جهان، کشورهای با توزیع درآمد برابرتر، به کیفیت بالاتری از محیط زیست تمایل دارند. به‌طور مشابه در یک بررسی از ۵۰ ایالت امریکا، بویس و دیگران (۱۹۹۹) یافتند که در دولت‌های با نابرابری در توزیع قدرت بیشتر، سیاست‌های زیست‌محیطی با دقت کمتر، و در نتیجه فشار زیست‌محیطی بیشتری وجود دارد. همچنین در یک مطالعه در سطح محلی به‌وسیله مورلو- فراش (Morello - Frosch, 1997) از نواحی در ایالت کالیفرنیا، نشان داده شد نواحی که در سطح بالاتری از تبعیض در وضعیت

درآمد، طبقه و نژاد هستند، سطح بالاتری از خطر آلودگی هوا را دارند. افزون بر این، میدلتون و کیف (۲۰۰۱) بر برتری عدالت بر محیط زیست تأکید کرده، و گفته‌اند: تحلیل و زوال توسعه نه با ناپایداری اقتصادی زیست محیطی، بلکه با بی‌عدالتی اجتماعی آغاز می‌شود. این تأکید بر انصاف بیشتر به صورت هدف اجتماعی عادلانه و مطلوب با این تصدیق ارتباط دارد که اگر جامعه برای سطح بیشتری از برابری اجتماعی و اقتصادی، بکوشد، اهداف بلندمدت جهان پایدارتر، احتمالاً محقق خواهد شد (Agyeman, 2003).

ما معتقدیم: نظام اقتصادی اسلام هماهنگ با نظام تکوین، به گونه‌ای ترسیم شده که دغدغه و نگرانی بشر درباره پایداری توسعه را که از تخریب محیط زیست از یک طرف و محرومیت بخش‌های قابل توجهی از صاحبان اصلی منابع (نسل‌های موجود و نسل‌های آتی) از سوی دیگر ناشی است برطرف، و رفاه عمومی را که برخورداری معنوی را نیز در برمی‌گیرد تأمین می‌کند. در این نظام، روابط انسان با خداوند، طبیعت و جامعه انسانی براساس عدل و عاری از هرگونه افراط و تفریطی شکل می‌گیرد و به منظور ایجاد ضمانت جهت تحقق سالم این روابط، سازوکارهای چون «قاعده لاضرر» و «قاعده اتلاف» و نیز اصل حاکمیت دولت پیش‌بینی شده است.

عدالت مورد توجه در این مقاله، معنایی گسترده دارد و در عدالت در توزیع و یا عدالت در قوانین منحصر نمی‌شود؛ عدالت تکوینی، به معنای متعادل‌بودن جهان خلقت، و برخورداری همه مخلوقات از ظرفیت متناسب با خود به گونه‌ای که بتوانند در جهت هدف نهایی خود حرکت کنند می‌باشد. در این معنا همه چیز به اندازه آفریده شده و هیچ نقصانی در خلقت اولیه جهان، به صورت ظرف رشد و تکامل انسان وجود ندارد و زمینه بالفعل شدن توسعه پایدار محقق است. عدالت تشریحی و عدالت جزایی نیز کنار عدالت تکوینی و مکمل آن، از این هدف حمایت می‌کند.

در این مقاله ابتدا به تبیین توسعه پایدار پرداخته، ضمن بیان ویژگی اساسی آن، آن‌ها را بر محور عدالت تبیین می‌کنیم و سپس براساس آموزه‌های دینی، اصول و قواعد تضمین‌کننده پایداری براساس عدالت را در شریعت اسلام استخراج، و با استفاده از آن‌ها فرضیه مورد توجه خود را اثبات می‌کنیم.

## تعاریف پایداری

مراجعه به ادبیات موجود، ما را با تعاریف بسیاری از توسعه پایدار مواجه می‌سازد. هر یک از این تعاریف، بر جهتی از توسعه پایدار تأکید بیشتری کرده است؛ البته وجود دیدگاه‌های متفاوت در این زمینه نیز سبب شده است برخی از تعاریف با هم مغایر باشند؛ برای مثال از دیدگاه اقتصاد محوری، اکولوژیست‌های بسیار متعصب با سیاست‌های توسعه که براساس استفاده پایدار از مواهب طبیعی باشد مخالفند. از دید آن‌ها فقط راهبردی که با حداقل توسعه همراه باشد، از لحاظ اخلاقی قابل حمایت است. برخلاف آن‌ها در دیدگاه فن‌محوری، سایر تحلیلگران معتقدند که مفهوم پایداری سهم اندکی در نظریه و خط مشی اقتصاد فعلی ایفا می‌کند. از دیدگاه جهانی، حفظ راهبرد رشد پایدار در درازمدت فقط به صرف هزینه کافی بستگی دارد.

۹۵

اقتصاد اسلام

توسعه پایدار بر محور عدالت

متداول‌ترین تعریف از پایداری، تعریفی است که کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (WCED) (۱۹۸۷) ارائه داده است.

توسعه‌ای که نیازمندی‌های نسل حاضر را بدون لطمه‌زدن به توانایی نسل‌های آتی در تأمین نیازهای خود برآورده می‌کند (WCED, 1987 : p.43).

کمیته توسعه پایدار سازمان ملل نیز تعریف خود را این‌گونه ارائه می‌دهد:

افزایش پایدار در تولید و مصرف کالاها و خدماتی که به نیازهای اولیه مربوط بوده، کیفیت زندگی را ارتقاء می‌دهند. این کار باید همزمان با کاهش بهره‌برداری از منابع طبیعی و مواد سمی و پراکندن زباله‌ها و آلاینده‌ها در چرخه زندگی باشد تا نیازهای نسل‌های آینده را دچار مخاطره نسازد.\*\*

در برخی از تعاریف، بر حقوق نسل‌های بعد به قدری توجه شده که گفته‌اند:

هر نسل باید منابع آب و هوا و خاک را خالص و بدون آلودگی، همانند زمانی که این منابع بر روی کره زمین بوده‌اند حفظ کرده، برای نسل بعد باقی گذارد (منبع اسناد یونسکو، به نقل از پرمن، ۱۳۸۲: ص ۱۰۸).

\* World Commission on Environment and Development.

\*\*The International Institute of sustainable development, The Commission on Sustainable Development, The International Work Programme on Changing Consumption and Production Patterns adopted in the Commission's third session 1995. An Internet Reference, <http://iisd.ca/susprod>.

سولو این تعریف را برای پایداری به صورت تعهد جهت حفظ منافع جهانی تعریفی روان ولی غیرممکن می‌داند؛ به همین جهت برخی تعریف پیشین را تعدیل کرده، و پایداری را حفظ فرصت‌ها برای نسل آینده دانسته‌اند (همان).

برخی از تعاریف نیز بر چگونگی استفاده از منابع طبیعی اشاره کرده، و بر حفظ ذخایر آن منابع یا درآمد پایدار آنان تأکید ورزیده‌اند (همان: ص ۱۰۶).

بعضی از اقتصاددانان محیط زیست نیز پایداری را بیشتر از جنبه‌های زیست محیطی نگریسته، و در تعریف پایداری گفته‌اند:

وضعیت پایدار، وضعیتی است که حداقل شرایط برای ثبات اکوسیستم‌ها و توانایی مقابله اکوسیستم با شوک‌ها را در طول زمان فراهم کند (همان: ص ۱۱۶).

### تعریف عدالت

گرچه در ادبیات موجود، عدالت بیشتر به معنای عدالت توزیعی و گاهی نیز به معنای برابری فرصت‌ها تعبیر شده، در این مقاله از عدالت، معنای گسترده‌ای اراده شده است. عدالت در حله اول در حوزه تکوین، محور خلقت جهان را تشکیل داده و عدالت تشریحی و جزایی نیز به صورت مکمل و ضمانت تحقق و بقای این مجموعه متعادل پیش‌بینی شده است. این معنا مستفاد از آیات قرآن و روایات و گفتار بزرگان است.

آیت‌الله مصباح در تعریف عدل می‌نویسد:

برای عدل می‌توان دو مفهوم خاص و عام در نظر گرفت: یکی رعایت حقوق دیگران و دیگری انجام‌دادن کار حکیمانه که رعایت حقوق دیگران هم از مصادیق آن می‌باشد (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ص ۱۹۳).

آیت‌الله معرفت نیز با استفاده از فرمایش حضرت علی (ع) در معرفی عدالت می‌گوید:

مقصود از عدالت اجتماعی، ایجاد توازن در جامعه است. منظور از توازن هم همان تناسب است. تناسب به معنای این است که هر چیزی در جای خودش و در محدوده مناسب جای بگیرد (معرفت، ۱۳۸۳: ص ۵۵).

### عدالت محور تکوین

در این نگاه، جهان هستی مجموعه‌ای منظم است که خود از زیرنظام‌هایی تشکیل شده که ویژگی مشترک همه آن‌ها و نیز اجزای تشکیل‌دهنده این نظام‌ها را توازن و تناسب

تشکیل می‌دهد. به تعبیر آیت‌الله استادی، در این قسم از عدالت، سخن درباره وظایف و تکالیف الهی بر بندگان و پاداش روز جزا نیست؛ بلکه محور بحث، نظام آفرینش و این‌که این نظام براساس عدل استوار است (استادی، ۱۳۷۹: ص ۱۴۷).

ارسطو در کتاب سیاست، عدالت را در تناسب دانسته و قرارگرفتن موجودات در جایگاه طبیعی آن‌ها، اساس مفهوم عدالت را نزد وی تشکیل می‌دهد. او در کتاب اخلاق خود از عدالت قانونی کنار عدالت طبیعی یاد می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۱۱۸).

افلاطون نیز عدالت را نوعی تناسب و تعادل در امور دانسته است (جمشیدی، ۱۳۸۰: ص ۶۶). استاد مطهری با استفاده از روایتی از امیرمؤمنان  $\square$  عدالت را قراردادن هر چیز در جایگاه خود تعریف، و اشاره می‌کند که حتی اگر معنای عدالت توازن باشد، باز از معنای «اعطاء کلّ ذی حقّ حقه» (رضی، ۱۳۶۸: حکمت ۲۳۵، ص ۱۷۱) بیرون نیست. چرا؟ توازن اجتماع به این است که حقوق همه افراد رعایت بشود، حق اجتماع هم رعایت بشود (مطهری، ۱۳۷۳: ج ۱، ص ۳۲۹ و ۳۳۰).

آیت‌الله جوادی آملی نیز می‌گوید:

عدل اگرچه مفهوم ارزشی است، در بستر هستی جریان دارد ... عدل، مشترک معنوی، و در همه اقسام آن به یک معنا است؛ گرچه مصادیق متفاوتی دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ص ۲۰۰). وی عدل در آفرینش را به این می‌داند که خداوند، هرچه را برای سازمان هستی لازم بود، به آن اعطا کرد و آن‌گاه هرچه را برای هدفداری آن ضرورت داشت در اختیارش نهاد:

رُبَّنَا الَّذِي أُعْطِيَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى (طه (۲۰)، ۵۰).

پرورگار ما آن است که هر چیزی را آفرید؛ و آن‌گاه هدایت کرد.

همچنین با استفاده از آیه ۳۳ کهف می‌نویسد:

عدل در ساختار هستی هر چیزی نهاده شده و همه آفرینش و از جمله باغ دارای گوهر عدل است و عدالت در آن‌ها به معنای عمل کردن بر طبق وظیفه‌ای است که در نظام هستی به آنان سپرده شده است. خلقت انسان نیز براساس آنچه خداوند متعال اشاره می‌کند، به‌عنوان عنصری از این مجموعه منظم مطابق با همین گوهر است.

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ (انفطار (۸۲)، ۷).

خداوند تو را آفرید راست گردانید و به عدل سامان داد.

ویژگی انسان این است که علاوه بر تکوین، از لحاظ تشریح نیز عهده‌دار این وظیفه است (همان: ص ۲۰۷ - ۲۱۱).

قرآن مجید، آفرینش آسمان‌ها، خورشید و ماه را منظم، ضابطه‌مند و بدون هیچ‌گونه نقص دانسته، می‌فرماید:

هر قدر در پی یافتن نقصان در خلقت بنگری، در ماندگی و زبونی بیشتری را تجربه می‌کنی (ملک (۶۷)، ۳ و ۴).

همچنین در تفسیر صافی ذیل تفسیر آیه وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (رحمن ۵۵)، (۷) و با استناد به حدیث نبوی بالعدل قامت السموات و الارض (احسائی، ۱۴۰۵ق: ج ۴، ص ۱۰۳) آمده است:

و وضع المیزان العدل بأن وفر علی کلّ مستعد مستحقه و وفی کلّ ذی حقّ حقه حتی انتظم أمر العالم واستقام كما قال □ بالعدل قامت السموات والارض .

یعنی در خلقت جهان رعایت توازن و تعادل شده است، هر چیز به اندازه لازم استفاده و فاصله‌ها اندازه‌گیری شده است، چنانچه در فرمایش پیامبر اکرم □ نیز آمده است که آسمان‌ها و زمین بر اساس عدل استوار گردید (فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ص ۱۰۷).

### عدالت محور تشریح و تقنین

همان‌طور که خداوند متعالی خلقت عالم هستی را براساس عدالت و با نظامی احسن استوار کرده، همچنین قانونگذاری برای هدایت و سعادت انسان طبق همین اصل بوده و مطابق فطرت آدمیان و با در نظر گرفتن توان و ظرفیت آنان صورت گرفته است؛ به همین جهت نیز فرایند مستمر ارسال پیامبران همراه با تکامل نوع بشر، سیر تکاملی داشته است. این مسأله در کلام دانشمندان نیز به چشم می‌خورد؛ از جمله سیسرون از دانشمندان رومی، عدالت را عمل کردن مطابق قوانین طبیعی می‌داند. او می‌گوید:

عدالت عبارت از قانون طبیعی است و این قانون همه جا تغییرناپذیر، ابدی و برای همه دولت‌ها الزام‌آور است. همه قوانین برای عادلانه‌بودن نیازمند هماهنگی با قانون طبیعی هستند که به‌وسیله خداوند مقرر شده است. همچنین سنکا رواقی متأخر رومی نیز موضوع عدالت را با تکیه بر دو مسأله اساسی یعنی توجه به طبیعت و قانون طبیعی، و ضرورت خیرخواهی برای دیگران قابل بررسی می‌داند: طبیعت به من امر می‌کند که برای آدمیان مفید باشم؛ خواه برده باشند یا آزاد. هر جا



توجه دقیق در عرصه قانونگذاری نشان می‌دهد که بین خود قوانین در ابعاد گوناگون نیز عدالت به معنای عام آن وجود دارد. به عبارت دیگر مجموعه قوانین تشریحی برای انسان همانند نظام تکوین، تشکیل‌دهنده نظامی جامع و فراگیر است که خود از زیرمجموعه‌های منظمی در عرصه‌های فرعی تشکیل می‌شود. از جمله این عرصه‌ها، عرصه اقتصادی است که نظام اقتصادی را تشکیل می‌دهد. این نظام، خود در حوزه‌های تولید، توزیع و مصرف به صورتی متوازن، روابط اقتصادی انسان‌ها را شکل می‌دهد تا هدف مطلوب تأمین شود.

ادعای ما این است به لحاظ این‌که قانونگذاری مطابق فطرت انسان‌ها و با چنین نظامی صورت گرفته، در صورتی که انسان‌ها طبق این قوانین عمل کنند، توسعه پایدار تحقق می‌یابد؛ یعنی از منابع به صورت بهینه استفاده می‌شود. بهترین و کارآمدترین خط تولید و فن‌آوری مورد استفاده قرار می‌گیرد. امکان وارد شدن در عرصه تولید ثروت و استفاده از منابع خدادادی برای همه فراهم است و از این جهت هیچ‌کس مورد ظلم و تعدی قرار نمی‌گیرد. در فرایند تولید هر کس به اندازه تلاشی که در این فرایند داشته، از منافع آن بهره‌مند می‌شود. در عرصه مصرف؛ اسراف، اتراف و زیاده‌روی در کار نخواهد بود. حقوق گونه‌های حیاتی اعم از جانوری و گیاهی مورد احترام است و مصالح نسل‌های بعد نیز همواره مورد توجه انسان‌های فعلی خواهد بود. در چنین وضعیتی چگونه ممکن است محیط زیست تخریب شود یا پایداری توسعه مورد سؤال قرار گیرد.

### عدالت جزایی ضامن تحقق توسعه پایدار

از آن‌جا که شریعت به طور عام و دین اسلام به طور خاص ضمن جهت‌گیری به سمت مطلوب‌ها، واقعیات را نیز در نظر دارد و با توجه به این‌که همیشه افرادی برخلاف جهت فطرت اولیه خود حرکت می‌کنند، مجازات‌ها و پاداش‌هایی به منظور ضمانت اجرایی قوانین در نظر گرفته شده است. این مجازات‌ها که برخی در این دنیا و برخی نیز برای عالم آخرت پیش‌بینی شده، به خوبی می‌تواند جلو انحراف‌های احتمالی از تعادل در همه ابعاد و در عرصه اقتصاد را که حاصل آن تحقق توسعه پایدار است بگیرد. حرمت ظلم به دیگران

اکنون با بیان ویژگی‌های توسعه پایدار، به تبیین آن‌ها براساس اصل عدالت می‌پردازیم.

### ویژگی‌های توسعه پایدار

با توجه به تعاریف مطرح‌شده و همچنین تجربه اجرایی برخی کشورها، بر نکات قابل توجه برای رسیدن به پایداری تأکید می‌کنیم:

#### ۱. توسعه‌یافتگی

نخستین ویژگی و به تعبیری لازمه توسعه پایدار، تحقق خود توسعه است تا از پایداری آن سخن رود. توسعه، جریان چند بُعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، طرز تلقی مردم، نهادهای ملی، تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی داخل نظام، از حالت نامطلوب به زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق یابد (تودارو، ۱۳۷۸: ص ۲۳). در این تعریف، توسعه در نظام اجتماعی دیده شده و هدف آن سوق دادن افراد درون این مجموعه به سمت تعادل (وضعیت مطلوب) است. این هدف زمانی محقق می‌شود که منابع انسانی، فیزیکی و طبیعی در دسترس به‌صورت کارآمد و در جهت رسیدن به این هدف تخصیص داده شوند.

استفاده کارآمد از منابع طبیعی به معنای این است که هیچ‌گونه افراط و تفریطی در استفاده از آنان صورت نگیرد. رفتارهای بهره‌وران براساس عدل باشد و هیچ‌گونه انحصار و تکاثری در استفاده از آنان صورت نگیرد. مدیریت بر منابع که نوعی از سرمایه انسانی است، کارآمد بوده، و براساس اصل شایسته‌سالاری، مدیران توانا در جایگاه مناسب خود مورد استفاده قرار گیرند و افراد ناتوان و ناکارآمد بر پست‌های مدیریتی تکیه نزنند در

این صورت، با توجه به وافی بودن منابع طبیعی و این که خداوند متعال تمام آنچه را برای رفاه بشر لازم بوده آفریده است، به یقین، توسعه محقق خواهد شد.

عدالت به معنای عام آن به روشنی در تفسیری که از توسعه ارائه کردیم، خود را نشان می‌دهد. بدیهی است که توسعه در این معنا با مصرف‌گرایی و نیز رشد کمی در تولید ناخالص ملکی ولو به قیمت ایجاد شکاف فراوان بین طبقات درآمدی و نیز از بین رفتن حقوق نسل‌های آتی سازگار نیست. توسعه‌یافتگی در این تفسیر، مقدمه‌ای برای رفاه عمومی است و رفاه مورد نظر مکاتب الهی نیز در برگیرنده ابعاد معنوی نیز خواهد بود و انسان در بستر توسعه، نه گرفتار دستاورد رشد خودساخته خود شده و دچار بحران معنویت و به دنبال آن بحران هویت و نه گرفتار زهد خشک و روح صوفیانه، بلکه با برخورداری از مواهب دنیا در کنار آینده روشن آخرتی، در مسیر عدالت، طی طریق می‌کند.

## ۲. سلامت محیط زیست

گام دوم، فراهم‌ساختن محیط زیستی سالم و جلوگیری از تخریب آن است؛ زیرا حتی در صورتی که بتوانیم رشد اقتصادی را نیز محقق سازیم، بدون داشتن چنین محیطی، اسباب آسایش انسان فراهم نخواهد شد؛ بنابراین؛ یکی دیگر از ویژگی‌های توسعه پایدار، توجه اکید به مسائل زیست‌محیطی و رعایت شاخص‌های آن است. این ویژگی در ادبیات توسعه پایدار به اندازه‌ای اهمیت دارد که کنار عدالت بین نسلی در بسیاری از منابع، توسعه پایدار را نیز تعریف کرده است.

این مسأله در ادبیات دینی نیز فراوان به چشم می‌خورد. این آموزه‌ها در استفاده درست از منابع زیست محیطی تأکید دارند و از هرگونه تخریب محیط زیست به شدت منع می‌کنند. قرآن کریم با عنایت خاصی به عناصر زیست محیطی توجه کرده، و گاهی به آن‌ها سوگند خورده است. در این قسمت، به نمونه‌هایی از توجه قرآن به این مسأله اشاره می‌کنیم.

۱. خداوند کریم که خود مظهر جمال و زیبایی است، سراسر گیتی را به زیبایی می‌ستاید (سجده (۳۲)، ۷). و در خلقت انسان در جایگاه اشرف مخلوقات و زیباترین زیباها (تغابن (۶۴)، ۳) به خود تبریک می‌گوید (مؤمنون (۲۳)، ۱۴).

۲. خداوند متعالی هرچه در این عالم هستی وجود دارد، و از جمله پرندگان، حیوانات و کوه‌ها و دریاها و... را دارای شعور و تسبیح‌گوی می‌داند و ستارگان و درختان را نیز

این مطلب در روایات فراوانی نیز یادآوری شده است؛ از جمله در تفسیر المیزان در روایتی از امام صادق  $\square$  آمده است:

رسول خدا  $\square$  نهی کرد از این که چارپایان را داغ کنند، و این که مردم به صورت آن‌ها بزنند و فرمود: زیرا چارپایان هم خدا را به حمد تسبیح می‌گویند (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۱۳، ص ۱۶۶، ذیل آیه ۴۴ اسراء).

۳. خداوند متعالی در قرآن کریم بارها به مظاهر طبیعت سوگند یاد کرده، و بدیهی است که متعلق سوگند اهمیت و اعتبار بالایی نزد خداوند دارد (شمس، ضحی و تین). براساس تبیینی که از عدالت در تکوین صورت گرفت، خلقت اولیه جهان، متناسب و بدون هیچ نقصی است و همه گونه‌های حیاتی (جانوران و گیاهان) در چرخه زیست متناسب و به میزان ضرورت آفریده شده است. هماهنگی در بهره‌برداری گونه‌های مختلف از طبیعت طوری است که آسیبی به تناسب آن وارد نمی‌کند؛ برای مثال، اگر جانوران برای ادامه حیات نیاز ضرور به اکسیژن دارند و گاز کربنیک دفع می‌کنند، همین گاز که برای جانوران و از جمله انسان خطرناک است، برای گونه‌های گیاهی مایه حیات است. وجود لایه ازن، به صورت محافظی برای کره زمین، هماهنگی بین جاذبه و گریز از مرکز و هزاران مسأله دیگر، برگ کوچکی از کتاب بزرگ آفرینش است که بر قدرت، حکمت، علم و عدل الهی، و به تبع همه آن‌ها به تناسب و توازن مجموعه هستی گواهی می‌دهند:

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ (ملک (۶۷)، ۳).

همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید. در آفرینش آن خدای بخشایشگر هیچ گونه اختلاف و تفاوتی نمی‌بینی. باز بنگر، آیا خلل و نقصانی می‌بینی؟

همچنین در حقوق اسلام، همه موجودات، گیاهان و عناصر چرخه زیست محیطی دارای حق هستند و انسان در برابر آن‌ها مسؤول است. نتیجه این تأکیدها و رهنمودهای حقوقی و اخلاقی، حفظ تنوع زیست محیطی و جلوگیری از ایجاد عدم تعادل در آن است (نتیجه

عدالت تشریحی)؛ و بنابراین این ویژگی نیز براساس اصل تعادل قابل تحلیل است. تمام قواعد بازدارنده همانند حرمت اتلاف، اسراف و اصل نظارت دولت به منظور حفظ این تعادل است.

### ۳. انعطاف پذیری

در مسیر پایداری، نارسایی‌ها و موانعی از جانب محیط و نیز استفاه‌کنندگان از آن پیش می‌آید. یکی از ویژگی‌های توسعه پایدار، ظرفیت جامعه در واکنش به این گونه موانع طبیعی تحمیلی است و به تعبیری دیگر انعطاف‌پذیری یا قابلیت نظام برای ترمیم یا نگهداری سطح بهره‌وری در بی‌نظمی‌های کوتاه یا بلندمدت است.

۱۰۳

اقتصاد اسلام

توسعه پایدار بر محور معجز عدالت

به صورت روشن، این ویژگی نیز همانند ویژگی پیشین در جهت استمرار تعادل موجود در عناصر طبیعت بوده و همان گونه که در توضیح آن گذشت، انعطاف‌پذیری قابلیت نظام زیست‌محیطی به منظور مقابله با عدم تعادل‌ها یا برگرداندن وضعیت به حالت تعادل است. تأمل در قواعد، احکام الزامی و آموزه‌های اخلاقی، حاکی از توجه خاص به این ویژگی است و اصولاً یکی از رموز جاودانگی شریعت خاتم انعطاف‌پذیری در برابر وضعیت فردی، زمانی و مکانی است؛ البته این مطلب ضمن اعتراف به ثبات شریعت در محورهای اساسی آن است. در ارتباط با موضوع مقاله، کافی است به ساختار مالکیت در اسلام توجه کنیم. مالکیت خصوصی، ضمن محترم‌شمردن، در مواردی که نقض پایداری را در پی داشته باشد؛ محدود شود. مالکیت دولتی منابع طبیعی، به انحصار دولتی نینجامیده، مانع از بهره‌برداری بخش خصوصی نمی‌شود. مباح بودن برخی از منابع نیز با نظارت دولت کنترل می‌شود. همچنین دو نهاد مهم امر به معروف و نهی از منکر درباره حفظ محیط زیست و نیز پایداری توسعه مؤثر خواهد بود و بار سنگین نظارت دولت را کاهش می‌دهد.

### ۴. ثبات

این ویژگی که در خود توسعه پایدار نهفته، به معنای استمرار داشتن ارمغان توسعه در مدت‌زمان طولانی است؛ یعنی جامعه ظرفیت لازم را به منظور استفاده مداوم از فرایند سیستم‌های طبیعی یا تغییر آن، بدون دگرگونی‌های شدید داشته باشد (مولدان و بیلهارز، ۱۳۸۱: ص ۳۸۵).

استمرار داشتن فرایند توسعه یا حفظ آن در وضعیت تعادل، نتیجه آموزه‌های فراوانی است که در شریعت مقدس به همین منظور مورد تأکید قرار گرفته است.

## ۵. عدالت

مفهوم عدالت که به صورت ویژگی پنجم توسعه پایدار مورد توجه قرار می‌گیرد، مفهوم خاص عدالت یا عدالت توزیعی است. در عین حال توجه داریم که این معنا نیز در جهت همان عدالت به معنای عام یعنی تناسب کلّ عالم خلقت و قرار گرفتن هر چیز در جایگاه مناسب آن است.

در اهمیت عدالت اقتصادی همین بس که حضرت علی  $\square$  فلسفه پذیرفتن خلافت پس از عثمان را به هم خوردن عدالت و منقسم شدن مردم به دو طبقه سیر سیر و گرسنه گرسنه ذکر می‌کند و می‌فرماید:

لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بُوْجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَارُوا عَلَى كِطَّةٍ ظَالِمٍ وَ لَأَسْعَبَ مَظْلُومٍ لَأَلْفَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِ بِهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيهَا. (شهیدی، ۱۳۷۶: ص ۱۱، خ ۳).

اگر گردآمدن مردم نبود، و اگر نبود که با اعلام نصرت مردم، بر من اتمام حجت شد، و اگر نبود که خداوند از داناان پیمان گرفته آن‌جا که مردم به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی پرخور که از بس خورده‌اند، «ترش» کرده‌اند و گروهی گرسنه و محروم. اگر این‌ها نبود، من افسار مرکب خلافت را روی شانه‌اش می‌انداختم و رهایش می‌کردم و کاری به کارش نداشتم.

افزون بر این، امامان  $\square$  بر این نکته تأکید ورزیده‌اند که اگر مسلمانان به اصل عدالت وفادار باشند و آن را در جامعه رعایت کنند، مشکل فقر و بیچارگی مردم از میان می‌رود و همه به آسایش و رفاه دست می‌یابند. امام باقر  $\square$  می‌فرماید:

اگر میان مردم عدالت اجرا می‌شد، بی‌نیاز می‌شدند (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۱۲۳).

روایتی دیگر، ضمن تأکید بر این مسأله، یادآوری می‌کند که عدالت از غسل شیرین‌تر است و فقط کسی که عدالت را نیک می‌داند، آن را اجرا می‌کند (کلینی، ۱۳۶۵ق: ج ۱، ص ۵۴۱). این حدیث بدین حقیقت که اجرای عدالت فقط در سایه نظام امامت امکان‌پذیر است، اشاره می‌کند. نکته جالب توجه این است که معصومان  $\square$  اجرای عدالت را سبب آثار معنوی فراوان نیز برشمرده‌اند. حضرت علی  $\square$  می‌فرماید:

با اجرای عدالت، برکات خداوند دوچندان می‌شود (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۱، ص ۳۲۰).

امام باقر □ نیز می‌فرماید:

در اثر اجرای عدالت، آسمان روزی خود را فرو می‌فرستد و زمین برکت خود را آشکار می‌سازد

(کلینی، ۱۳۶۵ق: ج ۳، ص ۵۶۸).

آنچه در این مقال از بحث عدالت، بیشتر مورد توجه است، عدالت در برخورداری از منابع طبیعی است. دین مبین اسلام، به‌منظور تحقق عدالت، بیشتر منابع طبیعی را در

۱۰۵

اقتصاد اسلام

مالکیت یا تحت نظارت دولت قرار داده است. در قرآن کریم، به صراحت فلسفه این کار را جلوگیری از تکاثر ثروت در اختیار طبقه‌ای خاص دانسته و مکافات سخت برای سرپیچی از این هدف، ترسیم کرده است:

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (حشر (۵۹)، ۷).

آنچه خدا از دارایی ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش کرد، از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است تا میان توانگران شما دست به‌دست نگردد و آنچه را فرستاده [او] به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت، باز ایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است.

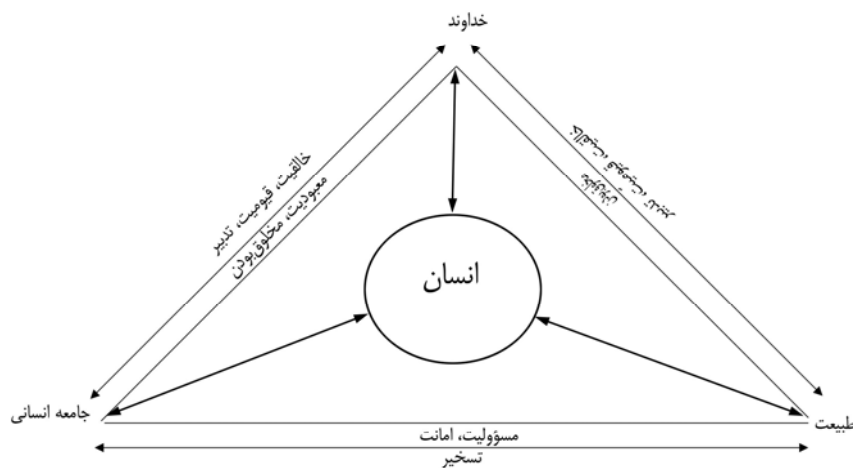
همچنین با تشریح نهادهای احیا و حیات، راه را برای استفاده همگان فراهم ساخته است ضمن این‌که نظارت دولت را جهت کنترل استفاده بخش خصوصی از منابع، برای تضمین تحقق عدالت در این حوزه ضرور دانسته است.

در این تشریح، همچنان‌که به حقوق افراد نسل توجه، و بر برابری فرصت‌ها برای همه تأکید شده است - چنان‌که از آیه پیشین نیز به روشنی پیدا است - حقوق و مصالح نسل‌های آینده نیز مورد توجه قرار گرفته است.

### اصول اعتقادی تضمین‌کننده پایداری در اسلام

جهتگیری اولیه مکاتب الهی و به‌ویژه شریعت اسلام، تربیت انسان و تقویت بنیان‌های اعتقادی او است؛ چنان‌که پیامبر اکرم □ بخش قابل توجهی از دوران رسالت خود را به‌ویژه

در مکه به این مهم پرداخت. انسان معتقد و تربیت شده در دامن مکاتب الاهی، در جایگاه اساسی ترین عنصر جهان هستی، رفتار خود را با عناصر دیگر این جهان، به گونه ای سامان می دهد که هیچ گونه نگرانی را درباره تضییع حقوق هموعان، تخریب محیط زیست و ناپایداری توسعه به همراه نخواهد داشت. چارچوب کلی شریعت درباره چگونگی رابطه انسان با خداوند، طبیعت و جامعه انسانی شکل گرفته است. در این چارچوب، انسان در مرکز مثلثی تصویر می شود که در رأس بالای آن خداوند قرار دارد و در دو رأس دیگر جامعه انسانی و طبیعت هستند.



در این مثلث، رابطه خداوند با جامعه انسانی و طبیعت، رابطه خالقیت، قیومیت و تدبیر است. در مقابل رابطه این ها با خداوند، رابطه عبودیت و مخلوق بودن است. رابطه جامعه انسانی و طبیعت رابطه تسخیر است؛ یعنی طبیعت مسخر جامعه انسانی است. سوی دیگر این رابطه دوطرفه، مسئولیت و امانت است؛ یعنی جامعه انسانی نیز وظایف و مسئولیت هایی در برابر طبیعت دارد. و به آن به صورت امانت الاهی می نگردد. رابطه انسان در مرکز این مثلث، در جایگاه عضوی از جامعه انسانی، با خداوند و طبیعت، رابطه بندگی و مسئولیت و با سایر افراد جامعه رابطه تعاون، احسان و عدالت خواهد بود.



عدالت به معنای عام آن بر همه این روابط حاکم است. مسئولیت انسان در برابر طبیعت و نگاه امانت به آن سبب می‌شود مسخر بودن طبیعت برای او، به تخریب آن نینجامد و فارغ از هرگونه افراط و تفریط به بهره‌برداری از آن بپردازد. انسان در مکتب اسلام، نه مانند زیست‌گرایان افراطی است که هرگونه استفاده از طبیعت و گونه‌های جانوری و گیاهی را منع می‌کنند و نه چون اقتصادگرایان که رشد اقتصادی را به قیمت تخریب محیط زیست اجازه می‌دهند. همچنین رابطه انسان با دیگر انسان‌ها اعم از این که با آن‌ها در یک نسل و در یک قلمرو زندگی می‌کنند یا این که در نسل‌ها و مناطق متفاوت باشند نیز براساس عدالت و نفی ظلم تعریف شده است. براساس این تفکر، انسان در بهره‌برداری از منابع طبیعی با محدودیت‌های فراوانی مواجه است. از طرفی رابطه او با خداوند، عبادت است و انجام فرمان‌هایش محدودیت‌هایی درباره استفاده او از طبیعت مانند حرمت اسراف و اتلاف منابع و عدم تخریب محیط زیست را گوشزد می‌کند و از طرف دیگر، همین رابطه باعث می‌شود رفتار او با هم‌نوعان خود براساس تعاون، رحمت و عدالت برقرار شود.

در این قسمت با اشاره به برخی از اصول اعتقادی که از آموزه‌های دینی قابل استنباط است، درصدد بیان این مدعی هستیم: همان‌گونه که اساس اولیه جهان هستی بر عدالت است (عدالت تکوینی)، در صورت تربیت یافتن انسان در دامان مکاتب الهی و تحقق عدالت تشریحی، و در صورت لزوم اجرای عدالت جزایی، توسعه پایدار را ثمر خواهد داد.

### ۱. اصل کفایت منابع طبیعی و عدم کمیابی بالقوه

برخلاف تصور بدبینانه به وضعیت معیشت نسل‌های آینده که برگرفته و متأثر از افکار و عقاید مالتوس و دیگر اقتصاددانان بدبین است، در اعتقادات اسلامی، منابع به اندازه کافی برای حیات بشر و نیز رفاه عمومی افراد جامعه وجود دارد. بدیهی است که تحقق این هدف، دارای ملزوماتی است که از جمله می‌توان به استفاده درست و عادلانه از این منابع اشاره کرد. این مسأله در آیات قرآن مورد تصریح قرار گرفته است؛ به‌طور مثال دو آیه ذیل بر فراوانی نعمت‌های الهی تأکید می‌کند:

وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعْلَمُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا (ابراهیم (۱۴)، (۳۴).

وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً (لقمان (۳۱)، (۲۰).

در برخی از آیات نیز توجه داده شده که این نعمت‌های فراوان، بخشی از نعمت‌های گسترده‌ای است که گنجینه‌های آن نزد خداوند متعالی قرار دارد و در صورت شایستگی مردم و جوامع، خداوند این نعمت‌ها را به آن‌ها ارزانی خواهد داشت:

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ (حجر (۱۵)، (۲۱)).

روایاتی که درباره زمان حضرت مهدی □ وارد شده نیز مؤید این مطلب است.

ابوسعید خدری از پیامبر اکرم □ نقل می‌کند که فرمود:

امت من در زمان مهدی □ به گونه‌ای از نعمت بهره‌مند می‌شوند که هرگز پیش از آن، مشابه آن بهره‌مند نبوده‌اند، آسمان بی‌دری بر آنان می‌بارد و زمین از رویدنی‌هایش هیچ فروگذار نمی‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ص ۸۳ ح ۳۷).

## ۲. اصل خلافت انسان در روی زمین

خداوند متعالی، انسان را خلیفه خود در زمین معرفی کرده، و جهان را در تسخیر او قرار داده است:

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِيَجْرِيَ فِيهِ الْفُلُكُ فِيهِ بَأْمُرِهِ وَلِيُنَبِّئُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (جاثیه (۴۵)، (۱۲)).

خداوند کسی است که دریا را مسخر شما قرار داده است تا در آن کشتیرانی کنید و از فضل او بهره‌گیرید؛ شاید سپاسگزاری کنید.

تسخیر به معنای تسلط مطلق بر طبیعت نیست؛ بلکه نوعی استفاده همراه با هدایت است. هر گاه طبیعت را مسخر انسان بدانیم یعنی بگوییم انسان بر طبیعت مسلط است و هر کاری را بخواهد می‌تواند درباره آن روا دارد، به‌طور ضمنی خرده‌ای را که عده‌ای به آموزه‌های ادیان گرفته‌اند مبنی بر این‌که تخریب محیط زیست ناشی از نگاه سلطه‌آمیز ادیان الهی برای انسان به طبیعت است پذیرفته‌ایم (هات، ۱۳۸۲)؛ اما به معنای دوم این است که طبیعت قابلیت هدایت و در مسیر استفاده بهینه قرارگرفتن را دارد و بشر این توانایی را دارد که با قدرت فکری خود از پدیده‌های طبیعی به اندازه لازم استفاده بکند و به اصطلاح، طبیعت از این لحاظ همانند موم در دست بشر است و در این جهت از خود مقاومتی نشان نمی‌دهد. می‌توان چنین سلطه‌ای را به سلطه پدر بر فرزندش تشبیه کرد که خداوند به‌طور فطری این هدایت‌پذیری و قابلیت تربیت را در انسان قرار داده است و این هرگز به معنای این نیست که پدر یا معلم هر رفتاری را بخواهد می‌تواند با فرزندش بکند.

باران که یکی از نعمت‌های طبیعی خداوند است، هر گاه به حال خود رها شود به تخریب مسیر خود می‌انجامد؛ اما در صورت هدایت آن و در مسیر صحیح قرار دادن، آن ضمن استفاده درست از آن، از تخریب آن نیز جلوگیری می‌شود (بوعلا، ۱۴۱۶ق: ص ۲۶۲ - ۲۶۷).

به‌طور دقیق بر همین اساس است که هرگونه استفاده مسرفانه از این منابع و نیز تخریب و از بین بردن آن‌ها ممنوع شده است و انسان در جایگاه خلیفه خداوند بر روی زمین مأموریت یافته بخشی از این اموال را در راه خدا انفاق کند و نیز براساس همین تفکر، انسان در صدد بهره‌برداری انحصارگرایانه از طبیعت و تضييع حقوق دیگران بر نمی‌آید؛ بلکه حاضر است بخشی از دسترنج خود را در اختیار انسان‌های دیگر قرار دهد یا به فعالیت‌هایی اقدام کند که نتیجه آن را نسل‌های بعد می‌بینند:

وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ (حدید (۵۷)، ۷).

و از آنچه شما را در [استفاده از] آن، جانشین [دیگران] کرده، انفاق کنید.

### ۳. اصل امانتداری انسان

انسان نعمت‌های الهی را به‌صورت امانت در اختیار گرفته و وکیل خداوند در اموال است؛ بنابراین، نباید تصور کند که مالکیت و تصرف او در اموال مطلق است و می‌تواند بدون محدودیت، هرگونه تصرفی را انجام دهد. این مطلب از آیات قرآن و روایات به خوبی استفاده می‌شود.

وَأْتَوْهُمْ مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ (نور (۲۴)، ۳۳).

و از آن مالی که خدا به شما داده است به ایشان بدهید.

امام صادق  می‌فرماید:

المال مال الله يضعه عند الرجل ودایع (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۸، ص ۹۳).

همه اموال، در مالکیت (حقیقی) خداوند قرار دارند که به‌صورت امانت در نزد انسان می‌باشد.

انسان تربیت‌شده مکتب اسلام، همواره در صدد رعایت حقوق سایر کسانی است که در استفاده از منابع طبیعی سهم هستند و حتی حقوق جانوران و گیاهان را نیز تضييع نمی‌کند. که همه این‌ها، باعث استفاده کارآمد و پایدار از موهبت‌های خداوند می‌شود ضمن این‌که براساس سنت الهی که پیش‌تر اشاره شد، ایمان و تقوا سبب افزایش برکات خداوند می‌شود؛ بنابراین، رعایت حقوق به‌وسیله مؤمنان، پایداری را از دو مسیر دوچندان خواهد کرد.

#### ۴. اصل همگانی بودن ثروت‌های طبیعی

آنچه از آیات فراوانی از قرآن استفاده می‌شود، این است که اصل اولیه در ثروت‌های طبیعی این است که به همه مردم تعلق دارند. در قرآن بارها بر این واقعیت تأکید شده است که خداوند، زمین و معادن و دریاها و کوه‌ها، خورشید و ستارگان را به نفع بشر مسخر کرده است. نزول باران، رویدن گیاهان، باغ‌ها و میوه‌ها ... و سرانجام آنچه روی زمین است را برای انسان و رفاه او آفریده است؛ بنابراین، اختصاص یافتن بخشی از زمین، کوه یا مواد اولیه به افراد دلیل خاص می‌خواهد:

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا (بقره (۲)، (۲۹).

خداوند آنچه در روی زمین است را برای شما آفرید.

روشن است که واژه «شما» فقط بر گروهی از مردم دلالت نمی‌کند؛ بلکه جمیع مردم را در برمی‌گیرد.

در جای دیگر نیز فرموده است:

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (رحمن (۵۵)، (۱۰).

خداوند زمین را برای مردم آفرید.

علامه طباطبایی □ در این باره می‌فرماید:

این حقیقت قرآنی است که پایه بسیاری از مقررات در اسلام به‌شمار می‌رود. اصل ثابتی که همه چیز در چارچوب آن قرار می‌گیرد، این است که جمیع اموال برای همه است و مصلحت افراد تا حدی رعایت می‌شود که مصالح عامه با آن مخالفت نداشته باشد (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۴، ص ۱۸۳).

همچنین آیه‌ای که فلسفه تشریح مالکیت دولتی برای انفال را بیان می‌کند، بر همین مطلب دلالت دارد (حشر (۵۹)، (۷).

روایاتی از امامان معصوم □ بر این دلالت دارند که آنچه در زمین است، برای استفاده همه مردم قرار داده شده (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۵، باب ۴۱ از جهاد عدو، ح ۲).

#### قواعد عملی تضمین‌کننده پایداری

سیر تشریح احکام و قواعد دین اسلام، بیانگر این است که این دین فقط به مسائل آرمانی نپرداخته و واقعیت‌های موجود جامعه را نیز در نظر دارد؛ به همین جهت به‌رغم

این که در قسمت پیشین گفته شد جامعه متشکل از انسان‌های تربیت شده در مکتب اسلام، جامعه‌ای با ویژگی‌های توسعه پایدار است، همواره حتی در زمان خود پیامبر اسلام □ نیز کسانی بوده‌اند که اعتقاد کامل به دین نداشته و نیز عده‌ای که به صورت ظاهری مسلمان بوده و اعتقاد قلبی نداشته‌اند (منافقان) یا عده‌ای غیرمسلمان که به صورت شهروند با مسلمانان زندگی می‌کرده‌اند، بنابراین، رهنمودهای دین به‌ویژه در مسائل اقتصادی و اجتماعی به‌گونه‌ای تشریح شده است که هیچ‌کس نتواند حقوق دیگران را تضییع کند. در این قسمت، به برخی از این قواعد عملی تضمین‌کننده عدالت بین نسلی و درون نسلی اشاره می‌شود.

### ۱. تشریح مالکیت دولتی و عمومی برای ثروت‌های طبیعی

خداوند متعالی با تشریح مالکیت دولتی و عمومی برای منابع طبیعی و موظف کردن دولت بر نظارت مستمر بر استفاده بهینه و عادلانه از آن‌ها راه‌های سوءاستفاده صاحبان قدرت و نفوذ را مسدود کرده و از این‌که این ثروت‌ها در انحصار گروه‌های خاصی درآید، جلوگیری کرده است، مشاهده می‌کنیم که بخش قابل توجهی از ثروت‌های طبیعی تحت عنوان انفال در مالکیت دولت قرار دارد و بخش دیگر نیز مانند مباحات عامه - گرچه در مالکیت کسی نیست و عموم مردم می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند - جزء بخش عمومی شمرده می‌شود و دولت بر چگونگی بهره‌برداری از آن‌ها نظارت دارد. هدف خداوند از این‌که چنین اموالی را در اختیار دولت قرار داده، ایجاد عدالت بین مردم و جلوگیری از این است که این دارایی‌ها در انحصار گروهی از مردم درآید (حشر (۵۹)، ۷).

همان‌طور که پیش‌تر نیز گذشت، این اموال به همه نسل‌ها تعلق دارد و مقصود از مالکیت دولت هم شخصیت حقوقی آن است و به همین دلیل، نسل‌های بعد هم همانند تمام مردم نسل فعلی مورد توجه شریعت بوده و در این هدف شریکند.

### ۲. تشریح نهادهای احیا و حیا

در نظام اسلامی، گرچه مالکیت منابع به‌طور عمده در اختیار بخش عمومی قرار داده شده، تجربه صدر اسلام نشان می‌دهد که نظام اسلامی در صدد است خود مردم این منابع

## أ. نهاد احیا

منظور از احیا، آباد کردن و آماده بهره‌برداری کردن منبع طبیعی اعم از زمین، معدن یا آب‌های زیرزمینی است. به‌طور طبیعی، نوع و چگونگی احیا در هر منبعی متفاوت، و تشخیص آن نیز به‌نظر عرف مردم است.

مشهور فقیهان معتقدند که احیا، سبب ملکیت برای شخصی است که به فعالیت احیا اقدام کرده است (انصاری، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ص ۱۶۱؛ علامه، بی‌تا: ج ۲، ص ۴۰۰)؛ و مبنای آنان نیز به‌طور معمول ظواهر روایاتی است که از پیامبر اکرم  $\square$  در این زمینه وارد شده که از جمله می‌توان به روایت «من احیی ارضاً مواتاً فهی له» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۵، باب اوّل از کتاب احیاء الموات) استناد کرد.

از طرفی، برخی از فقیهان امامیه مانند شیخ طوسی در نهاییه (طوسی، ۱۴۱۷ق: ص ۴۲۰) و استبصار (طوسی، ۱۳۹۰ق: ج ۳، ص ۴۰۸) و بحر العلوم در بلغه الفقیه، (بحر العلوم، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۳۴۷) و آیت‌الله اصفهانی در حاشیه بر مکاسب (اصفهانی، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۲۴۳) معتقدند که احیا فقط اولویت در تصرف احیاکننده را به همراه دارد. شهید صدر و تعدادی از شاگردان وی نیز این قول را اختیار کرده‌اند (صدر، ۱۴۱۷ق: ص ۴۴۱). برخی روایات نیز بر سزاوارتر بودن و اولویت احیاکننده دلالت دارند. ضمن این‌که همه فقیهان اتفاق دارند اذن امام  $\square$  در استفاده از این منابع ضرورت دارد، برخی معتقدند که در زمان غیبت، اذن کلی برای شیعیان داده شده است؛ بنابراین، دولت در واگذاری این منابع و

## ب. نهاد حيازت

حيازت به معنای جمع‌آوری و در اختیارگرفتن ثروت آماده است. برخی از ثروت‌های طبیعی چون پرندگان، حیوانات صحرایی و دریایی، میوه‌های جنگلی و هیزم بیابان و ... از طریق حيازت به مالکیت بهره‌برداران در می‌آید.

۱۱۳

اقتصاد اسلام

ترجمه پایدار بر محور عدالت

حيازت درباره هر یک از منابع طبیعی شکل خاصی دارد؛ برای مثال، درباره ماهی دریا یا پرندگان و حیوانات وحشی، حيازت به وسیله صید آن‌ها تحقق می‌یابد، اما درباره هیزم بیابان‌ها یا علف در مراتع، جمع‌آوری یا چرانیدن، از مصادیق حيازت است. نکته قابل توجه در حيازت این است: در مواردی که به‌علت کثرت بهره‌برداران، بین آن‌ها تزاخم ایجاد شود، دولت می‌تواند دخالت، و برای میزان یا چگونگی استفاده مقرراتی را وضع کند. بدیهی است که یکی از مسؤولیت‌های دولت در این باره، در نظرگرفتن منافع نسل‌های بعدی و حق آنان از این منابع است.

## ۳. قاعده لاضرر

یکی از قواعد فقهی که در فقه کاربرد فراوانی دارد، قاعده لاضرر است. این قاعده که افزون بر پشتیبانی به وسیله کتاب و سنت، حمایت محکم عقل و سیره عاقلان را نیز دارد، یکی از مشهورترین قواعد فقهی است که از روزگاران قدیم معرکه آرای فقیهان بوده است. مهم‌ترین دلیل این قاعده، روایتی است که عکس‌العمل پیامبر اکرم  $\square$  را درباره عمل زیان‌آور سمره بن جندب نقل می‌کند. سمره در تردد به محل درخت خرماي خود، از خانه فردی از انصار می‌گذشت و اسباب ناراحتی او را فراهم می‌کرد و حاضر نبود به هیچ‌وجه با او کنار بیاید؛ به همین جهت، پیامبر اکرم  $\square$  دستور دادند درخت او را بکنند و نزد او بیندازند و فرمود: تو فرد ضرر رساننده‌ای هستی و کسی نباید به مؤمن ضرر برساند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۵، باب ۱۲ از کتاب احیاء الموات، ح ۱ و ۳).

در معنای این قاعده بحث فراوانی بین فقیهان صورت گرفته است (بجنوردی، ۱۳۷۷: ج

□ در تفاوت بین معنای ضرر و

ضرر می‌فرماید:

بیشتر استعمالات ضرر درباره ضررهای مالی و جانی است ولی ضرر به معنای تضییق و ایجاد محدودیت است (خمینی، ۱۳۷۸: ص ۲۸).

بحث دیگر نیز درباره استفاده ضمان از مفاد این قاعده است که گرچه برخی از فقیهان چون نائینی □ اعتقاد به عدم استفاده ضمان از قاعده دارند (نائینی، ۱۳۷۳ق: ج ۲، ص ۲۲۱)، بسیاری از فقیهان چون صاحب ریاض در مواردی برای استفاده ضمان به این قاعده استناد کرده‌اند (طباطبایی، بی تا: ج ۲، ص ۳۰۱).

براساس این قاعده، هیچ‌کس نمی‌تواند فعالیت‌هایی را که به زیان دیگری بینجامد، انجام دهد و در صورتی که هرگونه زیانی از جانب او به دیگری وارد شود ولو این‌که این‌کار او به منظور اعمال حق خویش باشد، ضامن جبران زیان وارده است؛ به همین جهت، هر خانوار یا بنگاهی که با مصرف یا تولید خود باعث آلوده‌سازی محیط پیرامون خود شود، از جهت شرعی ضامن است. همچنین هرگاه استفاده از منابع طبیعی به وسیله گروه یا یک نسل به تضییع حق گروه‌های دیگر یا نسل‌های دیگر بینجامد، براساس این قاعده ضمان‌آور است و دولت موظف است به نمایندگی از عموم مردم، به اعمال حق آنان بپردازد. در بخش‌های قلبی مشاهده کردیم راه‌هایی نیز از جانب اقتصاددانان به منظور جبران خسارت‌هایی که از این ناحیه وارد می‌شود، پیشنهاد شده است که از جمله می‌توان به مالیات پیگویی (۱۹۳۲) یا صندوق امانی ریر و دیگران (۲۰۰۱) اشاره کرد.

#### ۴. قاعده اتلاف

مستند این قاعده، افزون بر اجماع فقیهان و سیره عقلا، آیه شریفه «فَمَنْ اخْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اخْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ» (بقره (۲)، ۱۹۴). یعنی هر کس بر شما تعدی کند، شما هم به مانند خودش با او رفتار کنید و روایات معصومین □ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۷، باب ۱۱ از ابواب کتاب الشهادات) است.

براساس این قاعده، هرگاه کسی مال دیگری را از بین ببرد یا آن را از مالیت بیندازد، ضامن جبران آن است و در این مسأله شریک‌بودن خود فرد در آن مال تفاوتی ایجاد



## ۵. اصل منع از اختلال نظام

۱۱۵

اقتصاد اسلام

ترجمه پندار بر محور عدالت

این قاعده که گاهی با عنوان وجوب حفظ نظام و گاهی هم با عنوان نهی از اختلال نظام از آن یاد می‌شود، مورد اتفاق فقیهان بوده و در موارد متعددی از مباحث فقهی، مورد استناد آنان قرار گرفته است؛ از جمله امام خمینی  $\square$  می‌فرمایند:

«... انّ حفظ النظام من الواجبات الاكيدة و اختلال الامور المسلمین من الامور المبعوضه» (خمینی، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۴۶۱؛ همچنین ر.ک: بحرالعلوم، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۲۹۰؛ موسوی خویی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۲۷).

کنار این قاعده، اصل دیگری با عنوان مصلحت نظام وجود دارد که کلیه سیاست‌ها و قانونگذاری‌های دولت درباره نحوه استفاده از منابع باید منطبق با این اصل، و در واقع تأمین‌کننده مصلحت نظام و عامه مردم باشد. این اصل که گاهی نیز از آن با عنوان مصلحت عامه یاد می‌شود، به تعبیر برخی بسی فراتر از مقوله حفظ نظام است و برخلاف عناوین ضرر و حرج که در واقع عمل پیشگیرانه و انفعالی را درون خود دارد، با عنوان مصلحت می‌توان در وضعیت حساس و موقعیت‌های ضرور، به‌صورت ابتدایی و ایجابی تصمیم‌گیری کرد (تقوی، ۱۳۷۸: ص ۱۴۶).

براساس این قاعده، هر سیاست یا فعالیتی که انجام یا ترک آن به مختل شدن نظم جامعه بینجامد، حرام و ممنوع است؛ برای مثال با این‌که بهره‌برداری از مشترکات و مباحثات در نظام اقتصادی اسلام مجاز شمرده شده، هرگاه بر اثر ازدیاد جمعیت و کثرت استفاده از این منابع، آن منبع مشترک از بین برود و یا آسیب جدی ببیند و در نتیجه نظام بهره‌برداری از آن مرتع و یا... مختل شود، این آزادی مشروع محدود می‌شود. در اصل ۴۴ قانون اساسی نیز ضمن برشمردن انواع مالکیت به این نکته اشاره شده است.

## ۶. اصل حاکمیت دولت

از مهم‌ترین عوامل توفیق در اجرای خوب سیاست‌ها و قوانین وجود ضمانت اجرایی قوی آن‌ها است. در غیر این صورت، بهترین برنامه‌ها امکان تحقق نمی‌یابند. اصولی که پیش‌تر بدان‌ها اشاره شد، زمینه را برای تدوین برنامه و قانون مناسب در جهت بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی و حفظ محیط زیست فراهم می‌کنند؛ با وجود این، اجرای خوب این برنامه‌ها، نیازمند حاکمیت دولتی مقتدر است.

در نظام اسلامی، اولاً مالکیت بخش قابل توجهی از این منابع برای دولت است و بخش دیگری را نیز دولت به نمایندگی از عموم مردم سرپرستی می‌کند. این برخورداری دولت از حق مالکیت یا نظارت بر اکثر منابع طبیعی، این امکان را فراهم می‌آورد تا با برنامه‌ریزی درست، زمینه بهره‌برداری بهینه مدبرانه، و عادلانه از مواهب طبیعی را فراهم سازد. بدیهی است که چنین برخورداری، به معنای تصدی مستقیم دولت نیست؛ بلکه براساس مصالح عمومی و وضعیت زمانی و مکانی، یکی از راه‌های تصدی، مشارکت با بخش خصوصی یا واگذاری به آن را اختیار می‌کند\*.

از طرفی با وجود احترام بخش خصوصی و مالکیت و آزادی فعالیت‌های اقتصادی این بخش، و نقش قابل توجه آن در اقتصاد، در صورتی که اعمال مالکیت یا فعالیت‌های اقتصادی این بخش به زیان عمومی و یا اختلال نظام بینجامد، دولت براساس اصل حاکمیت دولت و نیز اصول مصلحت و حفظ نظام می‌تواند و بلکه موظف است آزادی بخش خصوصی را محدود، و راهکارهایی را جهت برقراری اصول پیشین اتخاذ کند. طبیعی است که محدودیت آزادی افراد نیز باید سنجیده و در حد ضرورت باشد. همچنین به‌منظور تحقق اهداف عدالت در بهره‌برداری از منابع، دولت اسلامی می‌تواند در محدوده شرع، مقررات خاص جعل و براساس اصل منطقه‌الفراغ یا رعایت مصلحت عمومی یا ولایت مطلقه، قوانین حکومتی متغیر تعیین کند (رضایی، ۱۳۸۲: ص ۷۹ و ۸۰).

۱۱۶

اقتصاد اسلام

فصل  
تاسع  
در  
مباحث  
اقتصاد  
اسلام  
۱۳۸۴

\* برای اطلاع بیشتر از شیوه‌های بهره‌برداری از این منابع به‌وسیله دولت اسلامی، ر.ک: فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱: ص ۸۵.

## نتیجه‌گیری

در این مقاله بیان کردیم که اساس خلقت جهان هستی براساس تعادل و تناسب است و خداوند متعالی همه آنچه را در آسمان‌ها و زمین است برای آسایش و رفاه انسان آفریده تا از آن‌ها برای تکامل و هدایت خود استفاده کند. همچنین ادیان الهی با استحکام‌بخشیدن بنیان‌های اعتقادی انسان‌ها و نیز تربیت آنان، زمینه فراهم آمدن رفاه بشری در این دنیا را فراهم ساخته‌اند و در صورت تربیت شدن انسان‌ها در جایگاه عناصر اصلی چرخه زیست‌محیطی، تعادل این مجموعه حفظ می‌شود و پایداری زیست‌محیطی به خطر نمی‌افتد؛ با وجود این، با تبیین قوانین مالکیت و تعیین راه‌های استفاده مردم از منابع طبیعی، و همچنین ترسیم دولتی مقتدر، زمینه هرگونه استفاده ناروایی از این منابع را توسط برخی از افرادی که تربیت درستی از آموزه‌های دینی نیافته‌اند، از بین برده است. همچنین با قراردادن احکام الزامی مانند قاعده اسراف، اتلاف، اختلال نظام و ... اهرم‌های تضمین پایداری را نیز در اختیار دولت قرار داده است.

## پیشنهادها

با توجه به زمینه‌های موجود در رهنمودهای حیات‌بخش دین مبین اسلام و نیز پتانسیل موجود در قانون اساسی و چشم‌انداز بیست‌ساله توسعه کشور، توجه به نکات ذیل اهمیت دارد:

۱. تبیین حقوق مالکیت منابع طبیعی براساس فقه مبین اسلام و اجرایی‌کردن راهکارهای ارائه‌شده از جانب شریعت درباره چگونگی بهره‌برداری بخش خصوصی از این منابع؛

۲. در نظرگرفتن اهداف مقدس و متعالی اسلام که در راس آن‌ها ایجاد رفاه عمومی و برقراری عدالت در سطح درون نسلی و بین نسلی است. برای رسیدن به این مقصود، جهتگیری برنامه‌ها همان‌گونه که در سخنان مکرر مقام معظم رهبری آمده است، براساس تحقق عدالت باشد. این مهم به‌ویژه در بخش بهره‌برداری از منابع با تنظیم برنامه‌های توزیع اولیه و توزیع مجدد، اولویت خاصی دارد؛

۳. همان‌گونه که در مقاله اشاره شد، انسان‌های تربیت‌شده در دامان مکتب، با رعایت

۴. تلاش جدی در اصلاح ساختار اداری که زمینه رفتن به سمت فساد و برخورداری از رانت‌های دولتی، به‌ویژه در بخش منابع را فراهم می‌کند؛
۵. اصلاح نهادهای موجود و ایجاد نهادهای لازم جهت کنترل و نظارت بر چگونگی بهره‌برداری از منابع طبیعی و تضمین منافع نسل‌هایی که در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری حضور ندارند.

## منابع و مأخذ

### أ. فارسی

۱. احمدیان، مجید، *اقتصاد منابع تجدیدشونده*، تهران، انتشارات سمت، اول، ۱۳۸۱ش.
۲. استادی، رضا، *اصول عقاید*، قم، انتشارات دلیل، اول، ۱۳۷۹ش.
۳. بارو، کریستوفر جان، *اصول و روش‌های مدیریت زیست‌محیطی*، مهرداد اندرودی، تهران، کنگره، اول، ۱۳۸۰ش.
۴. بخش آموزش علمی و فنی و حرفه‌ای یونسکو، *آموزش بین‌المللی محیط زیست* (پیوست ب)، فیروزه برومند، انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، تهران، ۱۳۷۰ش.
۵. بونفوه ادوار، *آشتی انسان و طبیعت*، صلاح‌الدین محلاتی، تهران، سمت، اول، ۱۳۷۵ش.
۶. پانایوتو، تئودور، *ابزارهای تحول برای فراهم‌کردن موجبات توسعه پایدار*، سیدامیر ایافت، تهران، سازمان حفاظت از محیط زیست، اول، بی‌تا.

۷. پرمن راجرز، یوما و مک گیل، ری جیمز، *اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی*، حمیدرضا ارباب، تهران، نشر نی، اول، ۱۳۸۲ ش.
۸. ترنر آر.ک، پیرس دی و باتمن، ای، *اقتصاد محیط زیست*، سیاوش دهقانیان، عوض کوچکی و علی کلاهی اهری، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، اول، ۱۳۷۴ ش.
۹. تسخیری محمدعلی، *پنجاه درس در اقتصاد اسلامی*، تهران، انتشارات فرهنگ مشرق زمین، اول، ۱۳۸۲ ش.
۱۰. تقوی، محمدناصر، حکومت و مصلحت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ ش.
۱۱. تودارو، مایکل، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، غلامعلی فرجادی، تهران، انتشارات بازتاب، اول، ۱۳۷۸ ش.
۱۲. جمشیدی، محمدحسین، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی، شهید صدر، تهران، پژوهشکده امام خمینی و شهید صدر، اول، ۱۳۸۰ ش.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، *فلسفه حقوق بشر*، قم، اسراء، سوم، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. خالد فضلان، ام. و براین، جوان ا، *اسلام و محیط زیست*، اسماعیل حدادیان مقدم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، اول، ۱۳۷۸ ش.
۱۵. خلعتبری، فیروزه، *اقتصاد منابع طبیعی*، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
۱۶. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، *مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران، سمت، دوم، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. ردکلیفت، مایکل، *توسعه پایدار*، حسین نیر، تهران، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، اول، ۱۳۶۳ ش.
۱۸. رضایی، مجید، «مالیات‌های حکومتی، مشروعیت یا عدم مشروعیت؟»، نامه مفید، ش ۳۵، قم، دانشگاه مفید، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲ ش.
۱۹. رضی، ابوالحسن‌الشریف، *نهج‌البلاغه*، سیدجعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، اول، ۱۳۶۸ ش.
۲۰. صدر، سیدکاظم، «توسعه اقتصادی پایدار توسعه سازگار با بهره‌برداری از محیط زیست و حفظ آن»، قم، نامه مفید، ش ۱۷، ۱۳۷۸ ش.
۲۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *تفسیر المیزان*، سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش.

۲۲. طبری، امیر، *درباره عدالت*، تهران، نشر اختران، اول، ۱۳۸۳ش.
۲۳. فراهانی فرد، سعید، *سیاست‌های اقتصادی در اسلام*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱ش.
۲۴. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی (اموال و مالکیت)*، تهران، نشر یلدا، اول، ۱۳۷۴ش.
۲۵. ———، *فلسفه حقوق*، تهران، شرکت سهامی انتشارات، ۱۳۷۷ش، ج ۱.
۲۶. کولا، ارهان، *اقتصاد منابع طبیعی، محیط زیست و سیاستگذاری‌ها*، سیاوش دهقانیان، فرخ دین قزلی، مشهد، دانشگاه فردوسی، اول، ۱۳۸۰ش.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی، *آموزش عقاید*، تهران، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، نهم، ۱۳۷۲ش.
۲۸. مطهری، مرتضی، *انسان کامل*، قم، انتشارات صدرا، یازدهم، ۱۳۷۳ش.
۲۹. ———، *مجموعه آثار، انتشارات صدرا، چهارم*، ۱۳۷۵ش.
۳۰. معرفت، هادی، «عدالت مهدوی در قرآن»، *مجله انتظار*، ش ۱۳، ۱۳۸۳ش.
۳۱. مولدان، بدریچ و بیلهارز، سوزان، *شاخص‌های توسعه پایدار*، نشاط حداد تهرانی، ناصر
۳۲. محرم‌نژاد، تهران، انتشارات سازمان حفاظت از محیط زیست، اول، ۱۳۸۱ش.
۳۳. هات، جان اف، *علم و دین*، بتول نجفی، قم، کتاب طه، اول، ۱۳۸۲ش.
۳۴. یوسفی، احمدعلی، فراهانی فرد، سعید و لشکری، علی رضا، *ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول، ۱۳۷۸ش.

## ب. عربی

۱. احسانی، ابن ابی‌جمهور، *عوالی اللالی*، قم، انتشارات سیدالشهداء □، ۱۴۰۵ق.
۲. اصفهانی، محمدحسین، *حاشیه مکاسب*، بی‌جا، نشر محقق، اولی، ۱۴۱۸ق.
۳. انصاری، شیخ مرتضی، *المکاسب*، قم، نشر الهادی، اولی، ۱۳۷۸ش، ج ۲.
۴. بجنوردی، محمدحسن، *القواعد الفقهیه*، قم، نشر الهادی، اولی، ۱۳۷۷ش، ج ۲.
۵. بحر العلوم، سیدمحمد، *بلغة الفقیه*، تهران، مکتبه الصادق، الرابعه، ۱۴۰۳ق.
۶. بوعلی، علی، *ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی*، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۱۶ق.
۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۱۰۴ق.
۸. حلّی، جمال‌الدین حسن بن یوسف، *تذکره*، مکتبه الرضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، بی‌نا.

۹. خميني، سيدروح الله، كتاب البيع، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار لامام الخميني، ۱۳۷۹ش، ج ۳.
۱۰. خميني، سيدروح الله، الرسائل، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار لامام الخميني، ۱۳۷۸ش.
۱۱. صدر، سيدمحمدباقر، اقتصادنا، خراسان، مكتب الاعلام الاسلامي، الاولى، ۱۳۷۵ش.
۱۲. طباطبائي، سيدعلي، رياض المسائل، بيروت، مؤسسه آل بيت لاهياء التراث، بي تا.
۱۳. طوسي، شيخ محمد بن حسن، الاستبصار، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۹۰ق.
۱۴. طوسي، شيخ محمد بن حسن، نهايه، بيروت، دارالاندلس، الثاني، ۱۴۱۷ق.
۱۵. فيض كاشاني، ملامحسن، تفسير صافي، قم، الهادي، دوم، ۱۴۱۶ق، ج ۵.
۱۶. كليني، يعقوب، الكافي، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۶۵ق، ج ۱.
۱۷. مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، الثاني، ۱۴۰۳ق.
۱۸. محدث نوري، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، الاولى، ۱۴۰۸ق، ج ۵.
۱۹. مكارم شيرازي، ناصر، القواعد الفقهييه، قم، مدرسه الامام علي بن ابي طالب □، پنجم، ۱۳۷۹ش.
۲۰. موسوي خويي، سيدابوالقاسم، مصباح الفقاهه، قم، وجداني، ۱۳۷۱ش.
۲۱. نائيني، محمدحسين، منيه الطالب، تهران، المكتبة المحمديه، الاولى، ۱۳۷۳ق، ج ۱.
۲۲. ياسين نجمان، تطور الاوضاع الاقتصاديه في عصر الرساله، بغداد، دارالشؤون الثقافيه العامه، ۱۹۹۱م.
۲۳. يونس المصري، رفيق، بحوث في الاقتصاد الاسلامي، دمشق، دارالمكتبي، الاولى، ۱۴۲۱ق.

### ج. انگليسي

1. Agyeman Julian, Bullard Robert D. and Evans Bob, "Just Sustainabilities Development in an Unequal World", Earthscan Publition Ltd, UK and USA, 2003.
2. Beltratti A., Chichilnisky, G. and Heal, G. M. (1993) "Sustainable growth and the Green Golden Rule, Working Paper, Columbia Business Schcool and Fondasion .
3. Coase, R. "The problem of social cost". Jornal of Law and Economics 1960.
4. \_\_\_\_\_, "The, The Market and the Law. Univercity of Chicago Press, Chicago 1988.
4. Backx Mattijs, Charny Michael and Gedajlovic Eric "Public, Private and Mixed

- ownership and the performance of international airlines" Journal of " Air Transport Management" V.8 (2002).
5. Barry John, Frankland E. Gene "International Encyclopedia of Environmental Politics", USA and Canada , Routledge, 2002.
  6. Davis Derrin, Gratside Donald F."Challenge for economic policy in sustainable management of marine natural resources" Journal of "Econlogical Economics" 36 (2001).
  7. Eatwell John, Milgate Murray, Newman Peter: Palgrave (A Dictionary Of Economics), The Stockton Press (1998), Volume 3.
  8. Gerlagh Reyer, . Keyzer Michiel A "Sustainability and the intergenerational distribution of natural resource entitlements" Journal of Public Economics 79 (2001).
  9. Kahf Monzer "Sustainable Development in the Muslem Countrys" September 2002.
  10. Kissiling-Naf Ingirid, Volken Thomas and Bisang Kurt "Common property and natural resources in alps, the decay of management structures?" Journal of "Forest policy and economics" 4 (2002).
  11. Padilla Emilio ANALYSIS Intergenerational equity and sustainability. Ecological Economics 41 (2002).
  12. Pasqual Joan, Souto Guadalupe ANALYSIS Sustainability in natural resource management Ecological Economics 00 (2003).
  13. Taylor A.J.W. Justice as a basic human need New Ideas in Psychology 21

۱۲۲

اقتصاد اسلام

سال  
تاسع  
/  
پاییزه  
۱۳۸۴